



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

نقش معلم در تربیت روانی و فلسفی دانش آموز

حسین محمدپور مغانجوی^۱، فرشاد کبوتری^۲، پریشاد شمس زاده^۳، بهمن مرادنژاد^۴

۱- کارشناسی ارشد مهندسی معماری

۲- کارشناسی معماری علمی کاربردی

۳- کارشناسی ارشد مشاوره خانواده

۴- کارشناسی امور تربیتی، فرهنگیان قم

چکیده:

ارزیابی معلمان یکی از عناصر اساسی در بهبود کیفیت آموزش و پرورش است. این فرآیند، به منظور سنجش عملکرد و ارزشیابی تأثیرگذاری معلمان بر تحصیلات و پیشرفت دانش‌آموزان انجام می‌شود. در این چکیده، به بررسی روش‌های متداول ارزیابی معلمان در زمینه آموزش و پرورش پرداخته می‌شود.

یکی از روش‌های رایج ارزیابی معلمان، ارزیابی عملکرد است. در این روش، عملکرد معلمان بر اساس عواملی مانند کیفیت تدریس، روش‌های تدریس، مدیریت کلاس، و ارتباط با دانش‌آموزان و اولیاء ارزیابی می‌شود. همچنین، ارزیابی همترازی نیز یکی دیگر از روش‌های معمول ارزیابی معلمان است که در آن، معلمان با استفاده از ملاحظات همترازی توسط همکاران خود ارزیابی می‌شوند.

علاوه بر این، بازخورد دانش‌آموزان و اولیاء نیز از دیگر روش‌های ارزیابی معلمان است. این نوع ارزیابی به معلمان امکان می‌دهد تا نظرات و بازخوردهای دانش‌آموزان و اولیاء را دریافت کرده و بر اساس آن‌ها عملکرد خود را بهبود بخشند.

در کنار این روش‌ها، استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) نیز به منظور ارزیابی معلمان به کار می‌رود. این ابزارها شامل نرم‌افزارهای ارزیابی آنلاین، سیستم‌های ردیابی عملکرد و پلتفرم‌های آموزشی مجازی می‌شوند که اطلاعات مربوط به عملکرد معلمان را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌کنند.

با توجه به اهمیت ارزیابی معلمان در بهبود کیفیت آموزش و پرورش، استفاده از ترکیب متنوعی از روش‌ها و ابزارها، می‌تواند بهبود مداوم در عملکرد و عملکرد معلمان را تضمین کند.

کلمات کلیدی: نقش معلم، دانش‌آموزان، تربیت روانی

۱- مقدمه

معلم، به عنوان یکی از پایه‌های اصلی ساختار آموزش و پرورش، نقشی بسیار حیاتی در تربیت روانی و فلسفی دانش‌آموزان دارد. این نقش گره ارتباطی بین دانش‌آموز و دانش است، یک پل ارتباطی که در آن از طریق آموزش و راهنمایی، ارزش‌ها، مفاهیم، و آگاهی‌های فراگیر شده است. معلم با داشتن تجربه، دانش، و تعهد به کار، می‌تواند به‌طور فعال در تحول و رشد روانی و فلسفی دانش‌آموزان مؤثر باشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تربیت روانی دانش‌آموزان از طریق تعاملات روزمره و مستقیم با معلم شکل می‌گیرد. معلم با محیط آموزشی خود و روش‌های ارتباطی، می‌تواند اثر مستقیمی بر توسعه روانی دانش‌آموزان داشته باشد. با ایجاد فضایی امن و پذیرش‌آمیز برای دانش‌آموزان، معلم از آنان تشویق به بیان احساسات، اندیشه‌ها، و تجارب خود می‌کند. این ارتباطات و تعاملات، علاوه بر تقویت اعتماد به نفس دانش‌آموزان، باعث توسعه مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی آنان نیز می‌شود.

علاوه بر تربیت روانی، معلم نقش بسیار مهمی در تربیت فلسفی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. این تربیت، از طریق انتقال ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها، و باورهای معلم صورت می‌گیرد. معلم به‌واسطه مفاهیم و ارزش‌هایی که از طریق درس‌ها و تجربیات ارائه می‌دهد، می‌تواند دیدگاه و اندیشه‌های دانش‌آموزان را شکل دهد. با توجه به اهمیت این نقش، معلم باید به دقت ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های خود را در تدریس و ارتباط با دانش‌آموزان منتقل کند تا افکار و باورهای سازگار و مفیدی در ذهن آنان ایجاد شود.

در پایان، معلم به عنوان یک مربی و راهنما، نه‌تنها در انتقال دانش و مهارت‌های آکادمیک، بلکه در تربیت روانی و فلسفی دانش‌آموزان نیز نقش بسیار حیاتی دارد. با ایجاد ارتباطات موثر و فراگیر با دانش‌آموزان، و به اشتراک گذاشتن ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها، معلم می‌تواند در توسعه شخصیت و آگاهی زندگی دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد. بنابراین، نقش معلم در تربیت روانی و فلسفی دانش‌آموزان به‌عنوان یک فرآیند پویا و چالش‌برانگیز، از اهمیت بالایی برخوردار است و نیازمند توجه و تعهد بیشتری از سوی این ارباب‌رجبان تعلیم و تربیت است.

بیان مسئله

معلم، به عنوان اصلی‌ترین عامل در فرآیند آموزش و پرورش، در تربیت روانی و فلسفی دانش‌آموزان نقشی اساسی دارد. اما مسئله این است که آیا معلمان به طور کافی از این نقش و مسئولیت‌هایشان آگاهی دارند؟ آیا آموزش‌ها و روش‌های ارتباطی آنها منجر به توسعه روانی و فلسفی صحیح دانش‌آموزان می‌شود؟ و در نهایت، چه تأثیری این نقش معلم بر شکل‌گیری اندیشه‌ها، ارزش‌ها، و آگاهی‌های دانش‌آموزان دارد؟ به طور خاص، مسئله این است که آیا معلمان توانایی انتقال ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های سازگار با جامعه و باورهای مفید به دانش‌آموزان را دارند یا خیر؟ به عبارت دیگر، چه تأثیری این نقش معلم بر شکل‌گیری آینده فردی و اجتماعی دانش‌آموزان دارد؟ این مسئله مورد بحث و بررسی در این مقاله خواهد بود.

اهمیت موضوع

اهمیت نقش معلم در تربیت روانی و فلسفی دانش‌آموزان از جوانب مختلفی قابل تبیین است. معلمان، علاوه بر ارائه مطالب آموزشی، باید به عنوان راهنماهای روانی و فلسفی دانش‌آموزان عمل کنند. این نقش از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا تأثیر مستقیمی بر روان و فلسفه زندگی دانش‌آموزان دارد.

اولین اهمیت این موضوع ارتباط با توسعه شخصیت دانش‌آموزان است. معلمان با ارتباط مستقیم و پایدار با دانش‌آموزان، می‌توانند در فرآیند شناخت و توسعه شخصیت آنان نقش مؤثری داشته باشند. این ارتباطات، به دانش‌آموزان اعتماد به نفس می‌دهند و آنان را تشویق به کشف و بیان هویت و ارزش‌های شخصی خود می‌کنند. این اعتماد به نفس و توانایی بیان احساسات و اندیشه‌ها، در زمانهای بحرانی مانند مواجهه با مشکلات روانی و اجتماعی، برای دانش‌آموزان بسیار ارزشمند است.

ثانیاً، معلمان به‌عنوان مدل‌های نقش درست و مناسب در جامعه برای دانش‌آموزان عمل می‌کنند. ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها، و باورهایی که معلمان به دانش‌آموزان انتقال می‌دهند، تأثیرات گسترده‌ای در شکل‌گیری نگرش‌ها و اعمال دانش‌آموزان دارند. بنابراین، معلمان باید با دقت و آگاهی از نقش و تأثیر خود، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های مفید و سازگار را به دانش‌آموزان منتقل کنند. این امر می‌تواند به شکل مثبتی در جامعه و فرد دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد و آنان را به فردی با اخلاق و مسئولیت‌پذیر ترغیب کند.

سومین اهمیت این موضوع در تأثیر بر روند یادگیری و توسعه فکری دانش‌آموزان است. معلمان با ایجاد فضای آموزشی مشوق‌کننده و پذیرش‌آمیز، به دانش‌آموزان امکان می‌دهند تا از توانایی‌های خود بهره ببرند و به طور فعال در فرآیند یادگیری



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

شرکت کنند. این فرآیند، علاوه بر تقویت مهارت‌های آکادمیک، به توسعه تفکر انتقادی، خلاقیت، و توانایی‌های حل مسئله دانش‌آموزان کمک می‌کند.

در نتیجه، نقش معلم در تربیت روانی و فلسفی دانش‌آموزان از اهمیت بسیاری برخوردار است. این نقش، تأثیرات گسترده‌ای بر شخصیت، اعمال، و آینده دانش‌آموزان دارد و از این رو، نیازمند توجه و تعهد بیشتری از سوی معلمان است. در حالی که آموزش و پرورش به عنوان یکی از اصلی‌ترین ستون‌های توسعه اجتماعی و فردی به شمار می‌رود، نقش معلم به عنوان مهره‌ی کلیدی در این فرآیند بسیار حیاتی است. در این بحث، به بررسی اهمیت نقش معلم در تربیت روانی و فلسفی دانش‌آموزان می‌پردازیم.

یکی از جنبه‌های اساسی این موضوع، تأثیر معلم بر روند توسعه روانی دانش‌آموزان است. معلمان با ارتباط مستقیم و صمیمی با دانش‌آموزان، محیطی امن و پذیرش‌آمیز برای آنان فراهم می‌کنند که در آن احساسات، اندیشه‌ها، و تجربیاتشان را به اشتراک می‌گذارند. این ارتباطات، به دانش‌آموزان اعتماد به نفس می‌دهند و از ایجاد روابط سالم و قوی با دیگران نیز حمایت می‌کنند. علاوه بر این، معلمان با توجه به دانش و تجربه‌ی خود، می‌توانند در شناخت و تشخیص مشکلات روانی دانش‌آموزان به عنوان افراد رشدطلب و حساس به آنها کمک کنند و در صورت لزوم، راهنمایی و مشاوره لازم را به آنها ارائه دهند.

در عین حال، معلمان به‌عنوان مدل‌های نقش درست و مناسب در جامعه، می‌توانند تأثیر گذاری بزرگی بر فلسفه زندگی دانش‌آموزان داشته باشند. ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها، و باورهای که معلمان به دانش‌آموزان انتقال می‌دهند، می‌توانند به شکل قابل توجهی در تعیین مسیر زندگی و انتخاب‌های آینده آنان تأثیرگذار باشند. این امر به ویژه در دوران کودکی و نوجوانی که شخصیت‌سازی انجام می‌شود، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. معلمان باید با دقت و آگاهی از نقش و تأثیر خود، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های مفید و سازگار را به دانش‌آموزان منتقل کنند تا آنان را به انسان‌های با اخلاق و مسئولیت‌پذیر ترغیب کنند. همچنین، معلمان به عنوان راهنماهای تحصیلی و فرهنگی، می‌توانند در توسعه فکری و تفکر انتقادی دانش‌آموزان نقش مؤثری داشته باشند. با ایجاد فضای آموزشی پرمحتوا و فعال، معلمان می‌توانند دانش‌آموزان را به تفکر پرسش‌گر و بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی تشویق کنند. این فرآیند، به توسعه مهارت‌های تحلیلی و انتقادی، افزایش دانش، و ارتقاء سطح فرهنگی دانش‌آموزان کمک می‌کند.

با توجه به این نکات، می‌توان ادعا کرد که نقش معلم در تربیت روانی و فلسفی دانش‌آموزان از اهمیت بسیاری برخوردار است. این نقش، تأثیرات گسترده‌ای بر شخصیت، اعمال، و آینده دانش‌آموزان دارد و از این رو، نیازمند توجه و تعهد بیشتری از سوی معلمان است. به عبارت دیگر، افزایش آگاهی و توانایی معلمان در ارتقاء توسعه روانی و فلسفی دانش‌آموزان، یکی از چالش‌های مهم آموزش و پرورش در سطح جهانی است که باید به آن پرداخته شود.

نقش معلم در نظام آموزشی

هر گونه تحول اساسی در جامعه مستلزم متحول شدن نظام آموزشی آن جامعه است و محور اصلی پیشرفت هر نظام آموزشی کیفیت عملکرد معلم می باشد. معلم به عنوان مهمترین رکن تعلیم و تربیت در تربیت ابعاد آموزشی، اعتقادی، عاطفی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و... دانش‌آموزان مستقیماً دخالت دارد؛ و در تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه نقش به سزائی ایفا می کند.

مفهوم معلم با مفاهیم مشابه خود همچون واژه مدرس این تفاوت اساسی را دارد که فقط صرف تدریس در کلاس هدف معلم نیست. هدف معلم تربیت همه جانبه دانش‌آموزان است. معلم با روح و روان دانش‌آموز سر و کار دارد؛ کار او شکوفا ساختن استعداد های دانش‌آموز است.

اگر تاریخ آموزش و پرورش را علم « شدن » آدمی بدانیم، معلمان در این شدن و تکامل آدمی سهم و نقش زیادی را بر عهده داشته اند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اگر تربیت را فراهم کردن زمینه‌های بالندگی، برکشیدن، متعادل کردن آدمی بدانیم و هدف از آن را فعلیت بخشیدن به استعدادهای بالقوه انسان‌ها در جهت کمال و قرب الهی در نظر داشته باشیم، معلمان و مربیان در تحقق این امر نقش ارزنده و بسزایی داشته‌اند.

اگر در جستجوی شناخت عوامل مؤثر در تکوین شخصیت آدمی، اعتدال وجود و شناخت جسم و روان او باشیم، این معلمان هستند که یکی از عوامل تأثیرگذار و فراهم کننده‌ی رشد اخلاقی، جسمانی، اجتماعی، عاطفی و عقلانی آدمی بوده‌اند. به راستی، در جهان گذشته و امروز معلمان، با بهره‌گیری از هنر، علم، تجربه، ایمان به کار و عشق به متعلم، انگستان و مغزهای کودکان و نوجوانان را در فرایند یاددهی - یادگیری قیمتی ساخته‌اند و انسان‌های خام را به انسان‌های تربیت شده، عالم محقق، متخصص، مؤمن و هنرمند تبدیل کرده‌اند. از طرفی معلمان باید بدانند در چه شرایط متحول جهانی زندگی می‌کنند فکر و عمل و توان خود را محدود به مرزهای جغرافیایی خود نکنند از قدرت ابتکار، خلاقیت و مهارت برخوردار باشند، فعالیت‌های خود را محدود به چند کتاب یا جزوه که در مراکز تربیت معلم یا در طول کار خود با آن آشنا شده‌اند نکنند زیرا که دنیای پیچیده و متحول امروز مستلزم یادگیری مداوم و فرزند زمان خود بودن و فعالیت، حساسیت و خلاقیت است. (میرحیدری، ۱۳۸۶)

نظر به اهمیت کار معلم و نقش او در تامین نیروی انسانی جامعه، ضرورت دارد مسئولان بر نحوه گزینش معلمان و ارائه آموزش‌های درازمدت و کوتاه مدت لازم به آنها و نیز نظارت و ارزشیابی دقیق از کار آنها سعی وافر داشته باشند و در رفع مشکلات فراروی این قشر زحمتکش بیشتر بکوشند. نیازهای مختلف مادی و معنوی آنها را بشناسند و در برابری کردن آنها بیشتر تلاش کنند

نقش تربیتی معلم از دیدگاه مکاتب و نظریه‌های تربیتی

بخشی از بحث معرفت‌شناسی مکاتب مختلف به موضوع تعلیم و تربیت و به ویژه نقش کلیدی معلم پرداخته شده است که در اینجا به بعضی از آنها اشاره خواهد شد.

• اید آلیسم

اولین مکتب فلسفی نظام‌دار است که به دست افلاطون پایه گذاری شد. در این مکتب معلم مهمترین عنصر در نظام مدرسه است. و نقش راهنما، هدایتگر و تسهیل کننده یادگیری را بر عهده دارد. او انتقال دهنده میراث فرهنگی است. و از نظر اخلاقی و عقلی سرمشق دانش آموزان و برتر از آنهاست. وظیفه او گرفتن دست کودک و رساندن او به عالی ترین درجه کمال است.

• رئالیسم

این مکتب برای معلم مقام ارجمندی قائل است و او را مسئول می‌داند که دانش آموزان را به فعالیت شخصی وادارد و امکان بحث و انتقاد را به ایشان بدهد و کنجکاوی ایشان را برانگیزاند.

• طبیعت گرایی

در این مکتب طبیعت، بهترین معلم کودک است و سایر عناصر واسطه‌های تحقق پرورش طبیعی هستند. معلم فقط نقش راهنمای کودک را بر عهده دارد که کودک را به خودآموزی برمی‌انگیزاند. معلم باید از هر نوع تلقین افکار و نظریه‌ها و داوریهای اخلاقی به دانش آموزان اجتناب کند.

پراگماتیسم

معلم در این مکتب یک منبع ایجا د محیط یادگیری مناسب برای دانش آموزان است. اگر چه این مکتب به طور کلی دانش آموز محور است؛ لیکن تاکید زیادی روی نقش حساس معلم دارد و او را اسوه اخلاقی و فرهنگی می‌داند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

• اگزستانسیالیزم

در این مکتب معلم به دانش آموزان کمک می کند که انتخابهای خود را انجام داده و آگاهی های خود را افزایش دهند.

• تحلیلی

معلم در این مکتب باید دانش آموزان را به داشتن گرایش علمی و ذهنی باز و عینی تشویق کند و فعالیتهای آموزشی خود را برپایه تجربه های شخصی یادگیرنده و حل مسئله به وسیله خود آنها انجام دهد. چون فهم و تحلیل زبان در کلاس درس و کاربرد صحیح کلمات و روشن سازی مفاهیم اهمیت فراوانی دارد. معلم در این زمینه نقش حساس و مهمی برعهده دارد.

• پست مدرنیسم

این جریان فکری معلم را اندیشمندی رهایی بخش و روشنفکری تحول آفرین به شمار می آورد که مشخصه هایش شجاعت اخلاقی و نقادی است. او فراهم آورنده شرایطی است که خود و دانش آموزان تجربیاتشان را باز اندیشی کنند. روابط ظالمانه را بشناسند، بیان کنند و راههایی نیز برای رفع آن ارائه دهند. در پست مدرنیسم معلمان، پیشکسوتان و راهنمایانی هستند که نقش هماهنگ کننده تجارب یادگیری را بر عهده دارند. نقش آنها بیشتر آموزش "چگونه یاد گرفتن" به دانش آموزان است. آنها در انگیزه دهی، تسهیل جریان یادگیری و تسهیل خلاقیت دانش آموزان نقش اساسی دارند. در پست مدرنیسم دانش آموزان و معلم با هم یاد می گیرند. (فرمینی، ۱۳۸۳)

دیدگاههای مختلف در مورد نقش تربیتی معلم

نظریه پردازان بزرگی چون پیازه، اریکسون، فروید، کارل راجرز، آبراهام مازلو، آرنولد گزل، رابرت سیرز و بی.اف. اسکینر، نقش معلم و مربی را در جریان یادگیری مورد نظر قرارداد و درباره آن به تحلیل و مطالعه و اظهار نظر پرداخته اند. به همین جهت در اینجا با توجه به موضوع بحث تنها به نقش تربیتی معلم از دیدگاههای فوق می پردازیم:

• دیدگاه رشدی - شناختی (پیاژه و پیروانش)

در این دیدگاه فرد بزرگتر نقشی راهنما و هدایت کننده دارد. و هم اوست که صحنه و محیط یادگیری را آماده می کند. از آنجا که پیاژه تربیت کردن را نوعی فراهم آوردن زمینه های مساعد به منظور سازش فرد با محیط اجتماعی پیرامونش می داند، درباره نقش تربیتی معلم می گوید:

"قادر ساختن کودکان به اینکه فرصتهای فراوانی را برای جستجو و کاوش پیدا کنند و از اثرات خود بر محیط و اشیاء پیرامون آگاهی یابند."

در چنین محیطی، معلم است که کودکان را با انواع متنوعی از اعمال جستجوگرانه و کاوشگرانه روبرو می کند. اوست که روحیه پژوهشگری را مورد تشویق قرار می دهد و به کودکان کمک می کند تا از اثرات اعمالشان بر اشیاء و محیط پیرامون آگاهی یابند. معلم است که کودکان را کمک می کند تا درباره فرهنگ و نتایج اجتماعی رفتار خود یاد بگیرند. حساسیت چنین نقشی در فعالیتهای کودکان و پرسش و پاسخ برانگیزاننده و محرک متجلی است. زیرا مطالب و پیشنهادات در جهت ابداع و کشف روابط و تشویق کودکان در مسیر پویایی و خلاقیت است. در اینجا معلم به راحتی از زمان بهره می گیرد و کودکان را نیز در جریان یادگیری آزاد می گذارد. به همین جهت معلم همراه با کودک کار می کند، سوال می کند، پیشنهاد می کند و در طراحی مطالب و مواد در کلاس درس، فراهم آوردن تجارب یادگیری مناسب و طراحی سوالات بر انگیزاننده و اشتراک مساعی و دلگرم کردن کودکان نقشی تعیین کننده دارد.

نکته مهم و بارز در ایفای نقش تربیتی معلم از این دیدگاه، مجاز دانستن کودک در تصمیم گیری هاست و در نهایت آنچه را که "معلم پیازه نگر" انجام نمی دهد تاکید و تمرکز بر شکل دهی تنها یک پاسخ صحیح و به خاطر سپردن حقایق و اصول کشف شده در ذهن کودکان است. و به طور کلی فرمول اصلی در این دیدگاه این است که "معلم متفکر"، "ذهن متفکر" و "دانش آموز متفکر" می سازد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نتیجه گیری

در این بحث، نقش معلم در تربیت روانی و فلسفی دانش‌آموزان به عنوان یکی از مسائل حیاتی در زمینه آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گرفت. معلمان، به عنوان راهنماهای اصلی و معتبر در زندگی دانش‌آموزان، نقش بسیار مؤثری در توسعه روانی، فلسفی، و تحصیلی آنان دارند.

اهمیت این نقش به دلیل تأثیرات گسترده‌ای که بر روند توسعه شخصیت، اعمال، و آینده دانش‌آموزان دارد، بیانگر اهمیت فراوان آن است. معلمان با ایجاد ارتباطات موثر و صمیمی با دانش‌آموزان، فضایی امن و پذیرش‌آمیز برای آنان فراهم می‌کنند و به ایجاد اعتماد به نفس و توانایی بیان احساسات و اندیشه‌ها کمک می‌کنند.

همچنین، معلمان به عنوان مدل‌های نقش درست و مناسب در جامعه، می‌توانند با انتقال ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های مفید و سازگار به دانش‌آموزان، زمینه‌ای برای تأثیرگذاری مثبت بر زندگی و انتخاب‌های آینده آنان فراهم کنند.

همچنین، معلمان با ایجاد فضای آموزشی پرمحتوا و فعال، به توسعه مهارت‌های تحلیلی و انتقادی، افزایش دانش، و ارتقاء سطح فرهنگی دانش‌آموزان کمک می‌کنند.

به‌طور کلی، نقش معلم در تربیت روانی و فلسفی دانش‌آموزان بیانگر یکی از پیچیده‌ترین و حیاتی‌ترین چالش‌های آموزش و پرورش است که نیازمند توجه و تعهد بیشتری از سوی معلمان و نهادهای آموزشی است. افزایش آگاهی و توانایی معلمان در این زمینه می‌تواند بهبود قابل‌توجهی در کیفیت آموزش و پرورش و توسعه جامعه داشته باشد.

در نتیجه، نقش معلم در تربیت روانی و فلسفی دانش‌آموزان یکی از اهمیت‌های برجسته در حوزه آموزش و پرورش است. معلمان با ارتباطات موثر، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، و توسعه مهارت‌های فکری دانش‌آموزان، نقش بسیار مؤثری در شکل‌دهی به شخصیت و آینده آنها دارند. اهمیت این نقش به وضوح نمایان است، زیرا تأثیرات آن بر جوانان و جامعه به طور مستقیم و قابل‌ملاحظه‌ای است. از این‌رو، تأکید بر آموزش و پرورش معلمان و ارتقاء آگاهی و مهارت‌های آنان در این زمینه می‌تواند بهبود قابل‌توجهی در سیاق آموزش و پرورش و بهبود کیفیت زندگی اجتماعی داشته باشد.



منابع

- طیبی، جواد. (۱۳۸۴). بررسی وضعیت بهداشت روانی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم سبزوار در سال ۱۳۸۳. دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ۱۲(۴) (مسلسل ۳۸)، ۳۴-۴۱.
- بهرام پور، محسن. (۱۳۸۲). نقش تربیتی معلم در فرآیند تعلیم و تربیت. تعلیم و تربیت، ۱۹(۱)، ۸۹-۱۰۰.
- ضرابی، حامد، قرنی، نادیا، و یامرالی، نیما. (۱۴۰۲). تربیت معلم یا تخلیه معلم: تحلیل انتقادی دوره های تربیت معلم ایرانی (TTC). نگرش جدید در یادگیری زبان انگلیسی، ۲(۲)، ۴۵-۶۸.
- حصاری، مرتضی، خزایی، نورخدا، و عمادی نوری، مهدیه. (۱۳۹۸). فرایند بهبود روند آموزش: نقش معلم درمقابل نقش دانش آموزان. نخبگان علوم و مهندسی، ۴(۶)، ۳۴-۳۹.
- رووف، علی. (۱۳۷۹). سیمای بهسازی تربیت معلم. رشد تکنولوژی آموزشی، (۱۴۶-۱۴۵).
- عدلی، فریبا، آقاسلیمانی، هدی، امینی شاد، محمد، فاضل، مرتضی، و صوفی، فاطمه. (۱۳۹۴). ارتقای صلاحیت حرفه ای معلم بارویکرد pck (دانش محتوایی تعلیم و تربیت). نظریه و عمل در تربیت معلمان (راهبردهای نوین تربیت معلمان)، ۱(۱)، ۷۵-۵۶.